

The pattern of childbearing motivation is based on the lived experiences of families with at least one child¹

Barzan Hosseini² | Masoume Ismaili³ | Mohammad Hossein Salarifar⁴ | Kiyomarth Farahbakhsh⁵

Abstract

The results of demographic studies indicate a decrease in the desire of couples to have children. This phenomenon leads to population decline, which causes irreparable damage to the future of the country. For this reason, the purpose of this research is to develop a pattern of childbearing motivation based on the lived experiences of families with at least one child. The research method is in the category of qualitative research and is descriptive phenomenology. The participants in this research include 32 couples who were selected by purposeful sampling from families with one or more than two children in Marivan city in 1400. To collect research data, semi-structured interview method was used and for data analysis, Claizey's 7-step method was used. The results of the research showed that the pattern of childbearing motivation includes the values, attitude, need, reinforcement and competence of the couple. According to the results, it can be said that by intervening and changing these factors, the couple's motivation to have children will change.

Keywords: Childbearing motivation, lived experience, one-child family, family with more than two children.

65

Vol. 18
Winter 2023

Research Paper

Received:
3 February 2023

Accepted:
11 October 2023
P.P: 45-68



DOR: 20.1001.1.26454955.1402.18.65.1.1

1. This article is based on the doctoral thesis of the first author.
2. Corresponding Author: PhD Student in Counseling, Department of Counseling, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran. barzan1hosseini@gmail.com
3. Professor, Department of Counseling, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran.
4. Assistant Professor of Psychology, Department of Psychology, University of Birjand, Birjand, Iran.
5. Associate Professor, Department of Counseling, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran.



الگوی انگیزش فرزندآوری مبتنی بر تجارب زیسته خانواده‌های دارای حداقل یک فرزند^۱

به‌رزان حسینی^۲ | معصومه اسمعیلی^۲ | محمدحسین سالاری^۳ | کیومرث فرحبخش^۴

چکیده

نتایج مطالعات جمعیت‌شناختی حاکی از کاهش تمایل زوجین برای فرزندآوری است. این پدیده منجر به کاهش جمعیت می‌شود که آسیب‌های جبران‌ناپذیری برای آینده کشور به دنبال دارد. به همین دلیل هدف این پژوهش، تدوین الگوی انگیزش فرزندآوری مبتنی بر تجارب زیسته خانواده‌های دارای حداقل یک فرزند است. روش پژوهش در زمره پژوهش‌های کیفی قرار دارد و از نوع پدیدارشناسی توصیفی است. شرکت‌کنندگان در این پژوهش ۳۲ زوج را شامل می‌شود که به روش نمونه‌گیری هدفمند از خانواده‌های دارای حداقل یک فرزند شهر مریوان در سال ۱۴۰۰ انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌های پژوهش، از روش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد و روش ۷ مرحله‌ای کلازی، جهت تحلیل داده‌ها مورد استفاده قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان داد الگوی انگیزش فرزندآوری شامل ارزش‌ها، نگرش، نیاز، تقویت و شایستگی مربوط به زوجین است.

کلیدواژه‌ها: انگیزش فرزندآوری، تجربه زیسته، خانواده دارای حداقل یک فرزند.

DOR: 20.1001.1.26454955.1402.18.65.1.1

۱. این مقاله بر گرفته از رساله دکتری نویسنده اول است.

۲. دانشجوی دکتری مشاوره، گروه مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

۳. نویسنده مسئول: استاد، گروه مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

masmaeily@yahoo.com

۴. استادیار روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران.

۵. دانشیار، گروه مشاوره، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

مقدمه

نتایج مطالعات جمعیت‌شناختی، آمارهای سازمان ثبت احوال کشور و گزارش‌های شورای عالی انقلاب فرهنگی در ۱۰ سال اخیر همگی حکایت از کاهش تمایل زوجین برای فرزندآوری تا سطح تک‌فرزندی دارند که به هم ریختن موازنه هرم سنی و کاهش سریع نرخ فرزندآوری را در پی داشته است و این مسأله می‌تواند آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی جبران‌ناپذیری بر کشور وارد نماید. از سویی دیگر علی‌رغم کاهش میزان فرزندآوری کل به زیر سطح جانشینی، شواهد نشان می‌دهد که همچنان دو فرزند ایده‌آل محسوب می‌شود (رازقی نصرآباد و همکاران، ۱۳۹۳)، ولی در واقع باز هم می‌بینیم که قصد و رفتار تک‌فرزندی به‌خصوص در شهرها روند افزایشی دارد. پیمایش انتقال جمعیتی (سال ۱۳۸۸) در چهار استان یزد، گیلان، سیستان و بلوچستان و آذربایجان غربی نیز نشان داد که غیر از سیستان و بلوچستان، تعداد ایده‌آل فرزند در بین هم دوره‌ای‌های ازدواجی، دو فرزند بوده است، ولی در ترجیحات فرزندآوری بین همه هم دوره‌ای‌های ازدواج، اعم از جوان و مسن تغییرات نگرشی واضحی دیده شد؛ برای مثال بسیاری از گیلانی‌ها تک‌فرزندی را ترجیح می‌دادند (عباسی شوازی و همکاران، ۱۳۹۷). شواهد دیگر مبنی بر افزایش روند تک‌فرزندی بر اساس چهار سرشماری سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ است. علی‌رغم اینکه این ارقام ممکن است روند صعودی تک‌فرزندی را به وضوح نشان دهد، می‌تواند بیانگر یک شیفت زمانی در آوردن فرزند دوم به سنین بالاتر یا تأخیر در فرزندآوری دوم در سال‌های اخیر باشد که می‌تواند به علت افزایش سن ازدواج در زنان و دوره‌ی کوتاه جبران فرزندآوری در آنها باشد (خلج‌آبادی فراهانی و سرایی، ۱۳۹۱). دلایل و انگیزه‌های رفتار تک‌فرزندی افراد هنوز خیلی شفاف نیست. بحث‌های زیادی در مورد تاثیر تغییرات ارزشی و یا فشارهای اقتصادی در رفتار کم‌فرزندی افراد در ایران جریان دارد، اما خیلی مشخص نیست که مردم و خانواده‌ها چگونه رفتار تک‌فرزندی را تفسیر می‌کنند و چه عواملی را به این قصد و رفتار منتسب می‌دانند (خلج‌آبادی فراهانی و سرایی، ۱۳۹۵).

به اعتقاد زمانی (۱۳۷۶) انگیزش نیرویی است که می‌تواند انسان را به سوی یکی از فعالیت‌هایش سوق دهد. در واقع انگیزش نوعی میل نسبت به رسیدن به چیزی مشخص یا هدفی

معین می‌باشد. ولادفسکی (۱۹۸۵) بر این باور است که شش عامل نیازها، نگرش‌ها، محرک‌های خارجی، عواطف، تقویت و شایستگی در انگیزش مؤثر است (جارویس، ۱۳۸۷، به نقل از بیژنی و همکاران، ۱۳۹۰). انگیزه فرزندآوری هم، موضوع پیچیده‌ای است که دارای ریشه‌های فرهنگی، رفتاری و اعتقادی بوده و در بستر انتقال جمعیتی و توسعه اقتصادی و اجتماعی تغییر می‌یابد (ریجیکان و لایفبروئر^۱، ۲۰۰۹). در بررسی انگیزش فرزندآوری، در حالی که در گذشته بیشتر متخصصان بر عوامل اقتصادی و زیست‌شناختی تاکید می‌کردند و نسبت به عوامل روانی و اجتماعی کم توجه و یا بی توجه بودند، در سال‌های اخیر توجه به این عوامل نقشی مهم در تبیین فرزندآوری و گرایش به آن را ایفا کرده است (رسولزاده اقدم و همکاران، ۱۳۹۵). انگیزه‌های فرزندآوری شامل انگیزه‌های مثبت و منفی هستند. انگیزه‌های مثبت فرزندآوری در واقع شامل دلایل شخصی هر فرد برای خواستن فرزند مثل لذت بارداری و تولد و کودکی، دیدگاه سنتی، رضایت از فرزندپروری، احساس نیاز و بقا و استفاده ابزاری از فرزند می‌باشد. انگیزه منفی فرزندآوری شامل دلایل نخواستن فرزند نظیر ترس از والد شدن، استرس‌های والدینی و چالش‌های مراقبتی فرزند می‌باشد (میلر، میلستین و پاستا^۲، ۲۰۰۸). نتیجه مطالعه‌ای در آمریکا نشان داد که انگیزه مثبت فرزندآوری با میل بیشتر به فرزندآوری، تعداد بیشتر فرزندان دلخواه و فواصل کمتر بین تولد فرزندان همراه است (ریجیکان و لایفبروئر^۳، ۲۰۰۹). در مطالعه‌ای دیگر، در شیراز انگیزه‌های مثبت فرزندآوری با میل به فرزندآوری و تعداد دلخواه فرزندان ارتباط مستقیم و معنی‌دار و با زمان دلخواه فرزندآوری ارتباط معکوس و معناداری داشت. در این مطالعه انگیزه منفی فرزندآوری نیز با میل به فرزندآوری ارتباط معکوس و معناداری داشت. به این ترتیب می‌توان ایجاد انگیزه و ارائه مشوق - به عنوان تقویت - برای فرزندآوری را یکی از راهکارهای اساسی ارائه شده برای کاهش نرخ فرزندآوری و ارتقاء آن دانست (خدیوزاده و همکاران، ۱۳۹۳). در این زمینه مطالعه اندرسون^۳ (۲۰۰۵) نشان داد در سوئد با ارائه مشوق‌های دولتی و ایجاد انگیزه فرزندآوری، بعد از گذشت چندین سال فرزندآوری زوجین افزایش یافته است. مطالعات انجام شده در روسیه نیز نشان می‌دهد، با ارائه‌ی مشوق‌های فرزندآوری بعد از گذشت چندین سال، این

1. Rijkin AJ, Liefbroer
2. Miller WB, Millstein SG, Pasta
3. Andersson

کشور رشد جمعیت مثبتی را تجربه کرده است (گزارش سازمان ملی روسیه، ۲۰۱۳). زارع و همکاران (۱۳۹۷) نیز به بررسی انگیزه‌های فرزندآوری و ارتباط آن با نگرش به مشوق‌های دولتی در خصوص فرزندآوری در زنان سنین فرزندآوری در سبزواری پرداخته و به این نتیجه رسیدند که بین انگیزه‌های مثبت فرزندآوری با پوشش رایگان بیمه مادر و کودک، معاینات رایگان ماهانه و بن غذایی رایگان مادران باردار و افزایش مرخصی زایمان ارتباط مستقیم و معنی‌دار و بین انگیزه‌های منفی فرزندآوری با پرداخت سکه بهار آزادی، وام قرض‌الحسنه و مسکن، واگذاری مسکن و مرخصی پدر رابطه معکوس و معنادار وجود داشت.

پس چنین به نظر می‌رسد که پژوهش‌های اخیر حاکی از گرایش زوجین به تک‌فرزندی و تبدیل شدن آن به یک سبک زندگی هستند، در حالی که آن چه در اکثر تحقیقات روانشناسی مشخص و معلوم شده این است که تک‌فرزندی همواره موجب اختلالات روانی و بعضاً ناگواری در میان کودکان و نوجوانان می‌شود از جمله می‌توان به فقدان توانایی برون‌سازی و درون‌سازی و همچنین ناپایداری در حوزه مسائل رفتاری و هیجانی در تک‌فرزندان اشاره کرد (ساطوریان و همکاران، ۱۳۹۳). میلووسکی (۲۰۰۵)، در پژوهش خود دریافت که کودکان دارای خواهر یا برادر، گرایش بیشتری به سازگاری اجتماعی دارند (عزیزی، ۱۳۹۰). همچنین در مطالعاتی که بر روی مهارت‌های اجتماعی متمرکز شده‌اند (کایننگ و دان، ۲۰۰۶)، این نتایج حاصل شد که تک‌فرزندان پرخاشگر و مخرب‌تر بودند و در بین گروه دوستان، محبوبیت کمتری داشته و بیشتر قربانی می‌شوند. در حالی که کودکانی که همشیر داشتند، مهارت‌های همکاری بیشتری در گروه دوستان از خود نشان می‌دادند. از عواملی که در رابطه با تک‌فرزندی در دوران ما مطرح است این است که شرایط ارزشی و نگرشی خانواده‌ها تغییر کرده است و نگرش نسبت به فرزندآوری و فرزندپروری دچار تغییر شده و انگیزه‌های جایگزین موجبات این تغییرات فرهنگی و اجتماعی را به بار آورده است (خلج‌آبادی فراهانی و سرایی، ۱۳۹۵). برای مثال میرابی و همکاران (۱۳۹۹)، به بررسی پدیدارشناسانه‌ی آگاهی زنان متأهل از فرزندآوری پرداخته و به این نتیجه رسیدند که نگرانی از فرزندآوری، نگرانی از نداشتن فرزند، تجربه فرزند داشتن، تجربه بارداری، تصور حاملگی، پیروی از الگوی فرزندآوری مادر و ... از عوامل تاثیرگذار بر انگیزه فرزندآوری زنان متأهل می‌باشند. این در حالی است که تعدد فرزندان می‌تواند عملکرد خانواده را نیز تحت تأثیر

قرار دهد. در این راستا سعیدی و همکاران (۱۳۹۹)، با مقایسه ابعاد جسمانی و روانشناختی زوجین بر اساس تعداد فرزندان نشان دادند که بین کارکرد جسمی، بهزیستی هیجانی، سلامت عمومی و کارکرد اجتماعی با تعداد فرزندان ارتباط برقرار است. سوری‌نژاد و همکاران (۱۳۹۹) نیز به مقایسه سبک فرزندپروری و سلامت روان در مادران تک‌فرزند و دو یا چند فرزند پرداخته و به این نتیجه رسیدند که نمرات سبک فرزندپروری مستبدانه در مادران تک‌فرزند نسبت به مادران دو یا چند فرزند بالاتر بود. به این ترتیب تعداد فرزندان می‌تواند در عملکرد فرزندپروری والدین نیز اثرگذار باشد.

علی‌رغم این واقعیت‌ها در مورد تک‌فرزندی، صیفوری و همکاران (۱۳۹۸)، با بررسی رفتار فرزندآوری زنان ایران همگام با فرایند تحولات خانواده در سه دهه‌ی گذشته از سال ۱۳۶۰ تا سال ۱۳۹۰ نشان دادند که طی این سالها کاهش انگیزه فرزندآوری، میل به زندگی مجردی و تشکیل خانوارهای مستقل پیش از ازدواج در کنار عامل دیگری به نام طلاق باعث کاهش بعد خانوار و افزایش تعداد خانوارها شده که نشان‌دهنده‌ی ورود ارزش‌های مدرنیسم به عرصه خانوارهای ایرانی است. این در حالی است که مبانی فکری و فرهنگی کشور ما متأثر و مبتنی بر آموزه‌های اسلامی است و در دین مبین اسلام فرزندآوری و تکثیر نسل ذاتاً مطلوب است (ملکوتی‌نیا، ۱۳۹۴) آیه ۱۲ سوره نوح، آیه ۲۲۳ سوره بقره و یا آیه ۱۵۱ سوره انعام مثال‌هایی از اهتمام قرآن به فرزندآوری هستند. لازم به ذکر است که افزایش فرزندآوری در دین مبین اسلام، تنها به خاطر تأمین قدرت سیاسی و اقتصادی جامعه و یا منافع مادی والدین نیست؛ بلکه افزایش فرزندآوری فی‌نفسه مطلوبیت دارد و دارای جایگاه و ارزش والایی است (ندیمی و همکاران، ۱۳۹۴)

به‌طور کلی می‌توان گفت فرزندآوری در هر جامعه به‌طور عمده، بازتابی از نظم اخلاقی در حال تغییر در جامعه است. امروزه شمار زیادی از افراد تصمیم‌های فرزندآوری فردی خود را بر حسب باورها و نگرش‌های خود می‌گیرند، یعنی تغییر در رفتارهای فرزندآوری ارتباط نزدیکی با تغییر در نظام ارزشی و انگیزه‌های افراد دارد، اگرچه این واقعیت را نیز نمی‌توان کم‌اهمیت در نظر گرفت که بدون شناخت دقیق مسائل جمعیتی، نمی‌توان سیاست‌های جمعیتی جامع و پایداری طراحی کرد (کاشیسی^۱، ۲۰۱۰). عدم شناخت درست تحولات جمعیت و فرزندآوری، موجب

1. Kashesy

ارائه طرح‌های ناقص یا شتابزده برای اصلاح فرزندآوری در کشور می‌شود که حتی در صورت اجرا شدن، ممکن است مفید و موثر نباشند. بر این اساس و با توجه به اهمیت موضوع رشد جمعیت و فرزندآوری، این پژوهش برای پاسخ به این سؤال شکل می‌گیرد که ویژگی‌ها و مؤلفه‌های الگوی انگیزش فرزندآوری زوجین چیست؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر به شیوه کیفی پدیدارشناسانه از نوع توصیفی انجام گرفت. که در آن پژوهشگر با بررسی تجربه زیسته مشارکت‌کنندگان به شناسایی مؤلفه‌های سازنده‌ی انگیزش فرزندآوری پرداخته است تا بر اساس آن به یک الگو و برنامه‌ی مداخله‌ای جهت افزایش انگیزه‌ی فرزندآوری دست یابد. شرکت‌کنندگان در پژوهش حاضر والدین دارای حداقل یک فرزند متمایل به همکاری بودند. نمونه‌گیری در پژوهش حاضر با استفاده از شیوه نمونه‌گیری هدفمند انجام شد. بنابراین از بین تمامی زوجین شهرستان مریوان، افرادی انتخاب شدند که دارای شرایط زیر بودند:

۱. حداقل سطح تحصیلات دیپلم؛
 ۲. داشتن یک و یا بیشتر از دو فرزند؛
 ۳. دامنه سنی ۲۵ تا ۵۵ سال؛
 ۴. عدم داشتن فرزند معلول یا بیمار چرا که ممکن است انگیزه‌های فرزندآوری را تحت الشعاع قرار دهد؛
 ۵. عدم ابتلا به اختلالات روانشناختی در ۶ ماه اخیر؛
 ۶. تمایل به مشارکت در پژوهش.
- پس از انجام مصاحبه با ۲۰ نفر، به تدریج داده‌های تکراری مشاهده شد. اما جهت رسیدن به اصل اشباع نظری، مصاحبه‌ها تا ۳۲ نفر ادامه یافت. لذا حجم نمونه در این پژوهش ۳۲ نفر بود. مصاحبه با ۱۵ نفر از مشارکت‌کنندگان به صورت حضوری و بقیه به صورت آنلاین انجام گرفت. برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد. جهت تنظیم سؤالات مصاحبه و برای اطمینان از روایی محتوایی آنها ابتدا با جمع‌بندی نظرات اساتید راهنما و مشاور و همچنین کارشناسان آگاه به موضوع، به تهیه چهارچوب کلی مصاحبه نیمه‌ساختاریافته اقدام شد. محور

اصلی سؤال‌های مصاحبه در راستای کشف عوامل انگیزشی فرزندآوری در خانواده‌های مختلف بود، برای مثال: «آیا علاقمند به داشتن فرزند دیگری هستید؟»، «چرا بچه‌دار شدید؟» «به چه دلیل به داشتن فرزند دیگری علاقه دارید؟» «چرا تمایلی به فرزندآوری بیشتر ندارید؟» «فرزند داشتن رو چطور می‌بینید و چه حسی دارید؟» و یا «چه عواملی باعث می‌شود به فکر بچه‌ای دیگر ای نباشید و مانع می‌شود بچه‌ای داشته باشید؟» و ... مصاحبه‌ها با طرح موضوع پژوهش و سوال کلی در مورد شرایط خانواده آغاز و بر اساس پاسخ‌های ارائه شده هدایت شد. در نهایت تعداد ۱۰ سوال بر مبنای نتایج مطالعه مقدماتی پژوهش و همچنین اطلاعات به دست آمده از مطالعه مبانی نظری و ادبیات مربوط به انگیزه فرزندآوری تنظیم گردید.

همچنین تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌های پدیدارشناسی از تحلیل توصیفی به روش کلایزی^۱ استفاده شد. این روش دارای ۷ مرحله است که بر اساس آن، هر مصاحبه یا متن نوشته شده، جداگانه مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. بنابراین پس از مصاحبه با مشارکت کنندگان تحقیق، ابتدا به بیانات ضبط شده‌ی مصاحبه‌شوندگان بارها گوش داده و اظهاراتشان کلمه به کلمه روی کاغذ نوشته شد. در مصاحبه‌ها، متن مصاحبه به شکل منظم و قابل درک، ویرایش و تدوین شد. دست‌نوشته‌های تهیه شده از مصاحبه‌ها جهت درک احساس و تجارب مصاحبه‌شوندگان، چندبار مطالعه شده و به صداهای ضبط شده گوش شد تا از احساسات درونی و معانی پنهان روایت‌های آنان آگاهی حاصل شده و با این کار، به یک معنای کلی رسید. سپس پژوهشگران چندین بار به بازخوانی مجدد متون پرداخت و بر عبارات و جملاتی که مستقیماً با پدیده‌ی مورد بررسی در ارتباط بودند، تمرکز کردند. پس از مطالعه‌ی همه‌ی توصیف‌های مصاحبه‌شوندگان، زیر اطلاعات بامعنی و بیانات مرتبط با پدیده‌ی موردبحث، خط کشیده و به این طریق، جملات مهم را مشخص نمودند. در مرحله‌ی بعد که مرحله‌ی تدوین معانی و استخراج مفاهیم فرمول است، پس از بررسی دست‌نوشته‌ها برای یافتن موضوعات و معانی واحدها و درک ماهیت تجارب مشارکت کنندگان و جستجوی تجارب اساسی و همچنین جستجو برای تعیین اظهارات مهم و معنی‌دار یا پیشنهاد برای شرح این موضوعات و رابطه بین موضوعات و پیشنهادات با مفاهیم، سعی شد از هر عبارت، یک مفهوم استخراج شود که بیانگر معنی و قسمت

1. Colaizzi method

اساسی تفکر فرد باشد. پس از کسب این مفاهیم تدوین شده، سعی شد مرتبط بودن معنی تدوین شده با جملات اصلی و اولیه مورد بررسی قرار گیرد و از صحت ارتباط بین آنها اطمینان حاصل شود. به این ترتیب بر اساس سه مرحله اول روش کلایزی، مفاهیم استنباط شده از مصاحبه با شرکت کنندگان در ۴۲۰ کد قرار گرفت. در مرحله بعد سعی شد تا کدهای استخراج شده در دسته بندی های خاص موضوعی قرار داده شود. به این منظور، ابتدا زیرمجموعه‌هایی ایجاد شد که از ادغام آنها دسته‌های فرعی شکل گرفت و از ترکیب چند دسته فرعی نهایتاً مضامین اصلی پژوهش بوجود آمد. برای مثال از ترکیب کدهای «داشتن یادگاری پس از مرگ»، «داشتن وقایع قشنگ با فرزندان» و «رفع احساس کمبود در زندگی با حضور بچه‌ها» دسته‌بندی و مضمون فرعی «احساس تعلق» شکل گرفت و از کنار هم قرار گرفتن دو مضمون فرعی «احساس تعلق» و «بقا و امنیت» مضمون اصلی «نیاز» استنباط شد. سرانجام در مرحله‌ی چهارم کلایزی، پس از استخراج کدها، کلیه‌ی مفاهیم استنباط شده ۵ مضمون اصلی ارزش (فردی، اجتماعی و دینی و معنوی)؛ تقویت (مثبت، منفی و جانشینی)؛ نگرش (مثبت و منفی)؛ نیاز (بقا و امنیت و احساس تعلق) و شایستگی (فنی و رفتاری) تشکیل شد.

صحت و اطمینان پژوهش حاضر ریشه در چهار محور ارزش واقعی، قابلیت تعمیم و کاربردی بودن، تداوم و مبنی بر واقعیت بودن، دارد. ارزش واقعی بدین معناست که بیان حاصل از تجربه برای کسی که آن را به طور واقعی تجربه کرده است قابل قبول باشد. در این پژوهش با مراجعه به شرکت کنندگان و به تایید رساندن بیانیه‌های حاصله این امر محقق گشت و چنانچه در مواردی نظر شرکت کننده با نظر محققان متفاوت بود کدها با نظر شرکت کننده اصلاح می‌گردید. کاربردی بودن یا قابلیت اجرا بدان اشاره دارد که آیا نتایج در گروه‌ها یا مکان‌های دیگر نیز کاربرد دارد؟ در این مورد نیز سعی شد تا با عدم انتخاب یک مکان مشخص برای نمونه‌گیری و انتخاب نمونه‌ها از طیف نسبتاً گسترده سنی و سوابق فرهنگی اجتماعی گوناگون این مهم برآورده شود. بنابراین جهت افزایش قابلیت تعمیم و انتقال به موقعیت‌های دیگر، این تلاش صورت گرفت که برای شرکت در پژوهش تا حد امکان از خانواده‌های مختلف و با شرایط متفاوت استفاده شود. همچنین ثبات هنگامی به دست آمد که شرکت کنندگان پاسخ‌های نامتناقض و همسانی به سوالات شابه که در قالب‌های مختلف مطرح شده بود، می‌دادند.

جهت واقعی بودن پژوهش و انجام فرآیند آن، خالی از هر گونه تعصب، پژوهشگران سعی کردند تا هر گونه تعصب در مورد پدیده مورد پژوهش را در تمام نتایج مراحل مطالعه از خود دور سازند.

یافته‌ها

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، دامنه سنی شرکت‌کنندگان ۲۷ تا ۵۰ سال بود. همچنین آنان دارای تحصیلات دیپلم تا دکتری بودند. مشاغل آنها نیز شامل پزشک، کارمند، معلم، آزاد، خانه‌دار و کارگر بود. والدین شرکت‌کننده در این پژوهش نیز والدینی بودند که یک فرزند و یا بیشتر داشتند. مدت زمان زندگی زوجین با یکدیگر نیز از ۴ سال تا ۲۹ سال متغیر بود.

جدول ۱. مشخصات جمعیت‌شناختی افراد مشارکت‌کننده در پژوهش

ردیف	جنسیت	سن	شغل	تحصیلات	تعداد فرزندان	مدت زمان ازدواج
۱	زن	۴۳	معلم	فوق لیسانس	۳ فرزند	۲۶ سال
۲	مرد	۳۵	آزاد	لیسانس	۱ فرزند	۱۱ سال
۳	مرد	۲۹	معلم	لیسانس	۱ فرزند	۴ سال
۴	زن	۲۷	خانه‌دار	لیسانس	۱ فرزند	۶ سال
۵	زن	۲۹	معلم	لیسانس	۱ فرزند	۸ سال
۶	زن	۳۸	خانه‌دار	دیپلم	۳ فرزند	۱۸ سال
۷	زن	۴۱	معلم	لیسانس	۲ فرزند	۱۷ سال
۸	زن	۵۰	معلم	دیپلم	۳ فرزند	۲۵ سال
۹	زن	۳۳	خانه‌دار	دیپلم	۳ فرزند	۱۵ سال
۱۰	زن	۴۴	خانه‌دار	دیپلم	۴ فرزند	۲۴ سال
۱۱	زن	۲۸	خانه‌دار	دیپلم	۲ فرزند	۹ سال
۱۲	زن	۴۸	خانه‌دار	فوق دیپلم	۳ فرزند	۲۹ سال
۱۳	زن	۳۶	خانه‌دار	دیپلم	۳ فرزند	۱۷ سال
۱۴	مرد	۳۵	مهندس	لیسانس	۱ فرزند	۳ سال
۱۵	مرد	۳۷	مهندس	لیسانس	۱ فرزند	۶ سال

تحلیل مفهوم اخلاق در خانواده از منظر امام سجاد (علیه السلام) با تأکید بر صحیفه سجادیه

ردیف	جنسیت	سن	شغل	تحصیلات	تعداد فرزندان	مدت زمان ازدواج
۱۶	مرد	۳۴	کارگر	دیپلم	۱ فرزند	۱۰ سال
۱۷	زن	۴۰	خانه دار	فوق دیپلم	۱ فرزند	۱۰ سال
۱۸	زن	۴۶	خانه دار	دیپلم	۱ فرزند	۲۱ سال
۱۹	زن	۵۰	خانه دار	دیپلم	۳ فرزند	۲۳ سال
۲۰	مرد	۳۶	آزاد	فوق دیپلم	۱ فرزند	۷ سال
۲۱	زن	۳۷	خانه دار	دیپلم	۱ فرزند	۵ سال
۲۲	زن	۳۶	خانه دار	لیسانس	۱ فرزند	۳ سال
۲۳	زن	۳۰	خانه دار	دیپلم	۱ فرزند	۵ سال
۲۴	زن	۳۸	خانه دار	فوق لیسانس	۲ فرزند	۱۴ سال
۲۵	زن	۴۷	خانه دار	فوق لیسانس	۴ فرزند	۲۰ سال
۲۶	مرد	۴۴	پزشک	دکتری	۳ فرزند	۱۴ سال
۲۷	زن	۲۸	خانه دار	لیسانس	۱ فرزند	۴ سال
۲۸	زن	۳۰	خانه دار	لیسانس	۱ فرزند	۶ سال
۲۹	زن	۲۷	خانه دار	فوق دیپلم	۱ فرزند	۴ سال
۳۰	زن	۲۹	معلم	لیسانس	۱ فرزند	۴ سال
۳۱	زن	۳۱	خانه دار	لیسانس	۱ فرزند	۵ سال
۳۲	مرد	۳۱	آزاد	دیپلم	۱ فرزند	۷ سال

یافته‌ها حاکی از آن است که پنج مضمون اصلی در شکل‌گیری انگیزش فرزندآوری در زوجین موثر بوده است که از منظر مشارکت‌کنندگان، با استفاده از نقل قول‌های آن‌ها مورد تبیین قرار گرفته است. تحلیل مصاحبه‌ها پیرامون تجارب زوجین شامل ۵ مضمون اصلی و ۱۲ مضمون فرعی و گزاره‌های معنایی نیز در قالب جدول (۲) آورده شده است.

جدول ۲. تحلیل مضمون گویه های مشارکت کنندگان در رابطه با تبیین انگیزش فرزندآوری

انگیزش		
مضمون اصلی	مضمون فرعی	گزاره های معنایی
ارزش	فردی	درک احساس خوب- درک احساس مادرانه- تجربه ای پر از شور و شوق- تمایل به داشتن فرزند از هر دو جنسیت- لزوم تربیت انسان مفید - دنبال آرامش و تفریح شخصی بودن-
	اجتماعی	تربیت آینده سازان کشور برای پیشرفت جامعه - باقی ماندن نسل و جوان ماندن جمعیت - میل به افزایش جمعیت و خانواده پرجمعیت - مفید بودن فرزند برای جامعه - تربیت انسان برای ساختن جامعه و ایران بهتر - افزایش امید به آینده کشور - علاقه به داشتن خانواده گسترده- ایجاد خانواده صمیمی- تلاش برای آینده فرزندان- فاصله گذاری مناسب بین فرزندان-- توصیه های قبلی وزارت بهداشت برای کنترل جمعیت
	دینی و معنوی	معنایافتن زندگی- افزایش امید به زندگی- تغییر نگاه به زندگی- از بین بردن یکنواختی زندگی - رفع تکراری شدن زندگی- مشخص شدن مسیر زندگی- تغییر فضای زندگی- توکل به خدا - اعتقاد به رزاق بودن خدا- موهبت الهی بودن فرزند - اعتقاد به هدیه الهی بودن فرزند - بالاترین نعمت ها بودن فرزند- مسئولیتی از سمت خدا- فرزندآوری در سنین پایبتر - سپردن مشکلات به خدا - اعتقاد به نزول روزی با تولد فرزند - تغییر دنیای انسان با فرزند - توجه به نعمت بودن فرزند - نرسیدن از سختی های فرزند پروری زیر سایه خدا -توجه به کسب مال حلال در زندگی - توکل به خدا برای تربیت فرزند صالح - کمک گرفتن از خدا
تقویت	مثبت	مهر فرزند- تنها نماندن فرزند - تمایل فرزند اول به داشتن خواهر و برادر - همبازی فرزند اول - توجه به نقش تربیتی فرزندان بر یکدیگر- آوردن خواهر و برادر برای فرزند - تلاش برای آینده فرزند - داشتن پشتوانه- برخورداری از حمایت خواهر و برادر دیگر - همبستگی بین بچه ها - اطمینان از حل تعارضات زناشویی- اطمینان از تامین بودن نیازهای فرزندان- ثبات قیمت ها - بهبود وضعیت معیشت- امنیت شغلی مادران شاغل- گذشت چند سال از

انگیزش		
مضمون اصلی	مضمون فرعی	گزاره های معنایی
تقویت	مثبت	زندگی مشترک- اطمینان از باهم بودن - اطمینان از تفاهم داشتن - اطمینان از پایداری زندگی زناشویی - شغل با درآمد مکفی - موقعیت شغلی مناسب - توجه به نیازهای فرزندان و داشتن شغل مناسب - ایجاد شرایط اقتصادی خوب - ایجاد شرایط برای تامین نیازهای کودک - توانایی تامین آینده فرزند - وضعیت اقتصادی مناسب- و توجه به مسائل مالی و آینده کودک- داشتن پس انداز برای آینده فرزند -تأمین مسکن - تأمین رفاه فرزندان - تامین امکانات رفاهی - تامین هزینه های مادر - فراهم کردن امکانات زندگی- آزمایشات غربالگری - تحت نظر پزشک بودن مادر - پیشگیری های لازم برای تامین سلامت فرزند تقویت بنیه جسمی مادر - سلامتی کامل برای بارداری مجدد -
	منفی	حذف، کاهش، بهبود یا ساماندهی این موارد: وضعیت اقتصادی نابسامان جامعه - درآمد کم - موانع اقتصادی -نگرانی برای وضعیت مالی - کمبود امکانات- فقر اقتصادی - هزینه های بالا - گرانی مسکن - گرانی لوازم خانگی پوشاک و خوراک - ناکافی بودن سطح رفاه خانواده- نداشتن مسکن- دور بودن محل خدمت زنان شاغل از محل سکونت - مهیا نشدن نیازهای فرزندان- افزایش قیمت ها- نداشتن ثبات قیمت ها- هزینه های بیمارستان- مخارج بیمارستان در بارداری و زایمان
نیاز	جانشینی	فرزندآوری دوستان-دیدن خانواده های گسترده که روابط پویایی با هم دارند
	احساس تعلق	تجربه حس مادری- نیاز به حس مادر شدن و مراقبت از فرزند- رفع تنهایی داشتن یادگاری پس از مرگ - داشتن وقایع قشنگ با فرزندان- رفع احساس کمبود در زندگی با حضور بچه ها
نگرش	مثبت	تجربه حسی عالی - لذت بخش بودن فرآیند رشد بچه - لذت بخش بودن پیشرفت های فرزند- تجربه حس خوب - حسی توصیف ناشدنی - تجربه حس خوب و لذت بخش - حسی شیرین و دلنواز - شیرینی فرزند - لذت بخش بودن پرورش فرزند- مایه آرامش - شادی بخشی به انسان- داشتن خانواده گرم و شلوغ - گرما بخشیدن به زندگی به حضور فرزندان -

انگیزش		
مضمون اصلی	مضمون فرعی	گزاره های معنایی
	مثبت	ایجاد محبت بیشتر در خانواده - بخشیدن صفا و صمیمیت - محکم تر شدن روابط با همسر
نگرش	منفی	<p>نگرانی برای آینده فرزند اول - ناتوانی در حمایت اقتصادی و شغلی فرزند - نگرانی برای تضمین آینده اقتصادی فرزند - احساس عدم توانایی برای تربیت فرزندان بیشتر - سختی پرورش و تربیت فرزندان - سخت بودن داشتن فرزند زیاد - سخت بودن کنترل بچه - ترس از تربیت درست فرزندان - کمبود محبت و تلاش برای محبت یکسان به فرزندان - مسئولیت بالای پرورش فرزندان - نگرانی برای سلامت جسم و روح فرزند - نگهداری از کودک در ساعات کاری - نداشتن زمان کافی برای تربیت فرزند - تحت فشار قرار گرفتن اعصاب - شکل گیری احساس گناه در صورت عدم تامین آینده کودک - نگرانی برای عدم تامین نیازهای مالی و تفریحی فرزند - سن بالای زوجین - شرایط سنی - سن بالای مادر - سلامت مادر - درد و ناراحتی های بارداری و زایمان - مشکلات جسمی - فقدان آمادگی جسمی - دردهای جسمانی - شب بیداری های اولیه - بالا بودن سن - آزارهای زایمان و بعد آن - خستگی - کمبود حوصله لازم - استرس زیاد در دوران بارداری - فقدان آمادگی روحی - مشکلات اعصاب و روان - نداشتن آرامش فکری و ذهنی - وجود اختلافات زناشویی - خود خواهی یکی از زوجین - بی توجهی به خواسته های همسر - عدم تمایل یکی از زوجین - مشکلات خانوادگی - عدم همراهی همسر - نبود پشتیبانی توسط همسر - مخالفت همسر - فقدان همراهی همسر در تربیت و پرورش فرزندان - عدم تخصیص زمان لازم - استراحت و رسیدن به کارهای شخصی - شب بیداری ها - نگرانی از وضعیت جامعه - نامشخص بودن آینده - شرایط نامناسب اجتماعی - نگرانی برای ساختن آینده خوب - دشواری تعویض خانه های اجاره ای با فرزند زیاد - نبود بسترهایی برای آموزش صحیح فرزند پروری - مناسب نبودن شرایط آموزش در مدارس - فاصله تا مراکز درمانی - مخالفت های اطرافیان - عدم حمایت اقتصادی و فرهنگی مسئولین</p>

انگیزش		
مضمون اصلی	مضمون فرعی	گزاره های معنایی
شایستگی	فنی	احساس اعتماد به نفس بیشتر مادر - به بلوغ رساندن انسان - تجربه حس مسئولیت پذیری - تلاش برای تکامل عاطفی و اجتماعی خود - تلاش برای تکامل دارا بودن - صلاحیت و آمادگی فرزند پروری - کسب آمادگی روانی لازم قبل از فرزندپروری - کسب آمادگی لازم برای فرزندپروری - مسئولیت پذیر بودن - توجه به تکامل عقل والدین قبل از فرزندآوری - رفع نگرانی درباره آسیب روانی - آمادگی برای شیردهی و نگهداری نوزاد - رسیدن به بلوغ فکری - اطمینان از دارا بودن آرامش - کسب آگاهی و تجربه کافی برای تربیت فرزند - توجه بیشتر به شیوه های فرزند پروری - آگاهی از نیازهای فرزندان - شرکت در جلسات آگاهی بخشی - شرکت در جلسات و کارگاه های مشاوره و آنلاین - بالا بردن آگاهی - برنامه ریزی برای تربیت کودک - کسب مهارت های لازم یادگیری اصول تربیت - آگاهی از سختی های فرزندپروری
	رفتاری	تفاهم زناشویی - داشتن درآمد مکفی - داشتن سطحی از رفاه - تامین خوراک و پوشاک مسکن فرزندان - رفاه و تامین آینده کودک - داشتن صبر و حوصله و تحمل بالا - خوش رفتاری با فرزند - مشورت با بزرگترها - پرورش فرزندی سالم و مفید - در نظر گرفتن شیوه های تربیتی آموزشی - دوری از خرافات - وجود شرایط عاطفی خوب - رفع اختلافات قبل از فرزندآوری - مدیریت روابط دوفرهه - احترام به یکدیگر - داشتن مدیریت زمان - برنامه ریزی و تفکر - اختصاص زمان کافی - همسو بودن شیوه تربیتی پدر و مادر - تعیین هدف برای فرزند آوری - همدلی و متفق بودن - شناسایی اهداف خود - رضایت و تشویق همسر

انگیزش فرزندآوری شامل مؤلفه های:

- ارزش (فردی، اجتماعی و دینی و معنوی)؛
 - تقویت (مثبت، منفی و جانشینی)؛ نگرش (مثبت و منفی)؛
 - نیاز (بقا و امنیت و احساس تعلق) و شایستگی (فنی و رفتاری) بود.
- که در نمودار شماره (۲) آمده است.



نمودار ۱: الگوی انگیزش فرزندآوری

در ادامه نمونه‌هایی از اظهارات مشارکت‌کنندگان بیان شده است:

«به نظر مادر شدن حس شیرینی هست ولی سختی‌های خودش را هم دارد، بچه می‌تواند فضای زندگی را عوض کند و آن را از حالت یکنواختی درآورد. درسته که سختی‌های زیادی دارد ولی شیرینی‌های خودش را هم دارد.»

«به نظر من فرزند داشتن یک موهبتی از جانب پروردگار مهربان است و بالاترین نعمت‌ها هست

و به زندگی صفا و صمیمیت و امید به آینده می‌دهد.»

«به نظر من از مهم‌ترین اولویت‌ها برای فرزندآوری سطح رفاه اقتصادی خانواده است که اگر این سطح مطلوب و کافی نباشد، تعداد فرزند کمتر بهتر است»

«والا واقعیتش اینکه من الان تمایلی به آوردن فرزند دیگه‌ای ندارم. خیلی واضح، به خاطر مسائل اقتصادی، به خاطر درآمد کم که اتفاقاً شغل معلمی درآمدش خیلی کمه، واقعا شرایط جوریه که اصلاً نیازی نمی‌بینم فرزند دیگری بیارم. اما اگر فقط بخوام مسائل تربیتی و اینها را در نظر بگیرم، حتماً باید که یه فرزند دیگه هم باشه. چون بالاخره خودتون میدونید، زحمت بزرگ کردن یک بچه بیشتر از بزرگ کردن دو تا بچه‌س. برای فرزندآوری بیشتر خانواده فامیل و اینا اصرار داشتن که بچه بیارید زندگی تون شیرین می‌شه، مشکلاتتون شاید حل بشه. و از این داستانا ... زیاد مطمئن نیستم. البته قرار شده که ما هم بچه بیاریم، عادتیه که بقیه داشتن»

«مطمئنم که با به دنیا آمدن بچه خیلی از آرامش‌های که الان دارین دیگه نخواهیم داشت، من دیگه اعصاب بچه را ندارم»

«باورتون میشه من همیشه احساس می‌کردم فرزند خیلی در دسر داره. درحالی که علاوه بر سختی‌ها و مسئولیت‌هاش شیرینی وصف‌ناشدنی داره و از همون اول که مادر بچه رو تو آغوشش می‌گیره عشق و محبت بی‌نظیری رو حس می‌کنه. به نظر من بچه ثمره و شیرینی زندگیه. تازه با او مدن بچه روال همیشگی و تکراری زندگی به هم می‌ریزه و شما هرروز چیزای قشنگتری رو با وجود فرزندتون تجربه می‌کنید. تازه روابطتون با همسرتون هم محکم‌تر می‌شه»

«به نظر من بچه‌آوری یکی از نعمت‌ها و رحمت‌های خدا برای مادران است و نباید از فرزندآوری پدر و مادرها بترسند و همه مشکلات رو به خدا بسپرنند و ازش کمک بگیرند. چون از نظر معنوی هم هر بچه روزی خودش رو همراه خودش میاره و باید بیشتر به فکر کسب تجربه خودشون باشن و برای تربیتش وقت گذاشته بشه تا با ایمان کامل و رعایت اصول دینی و توکل به خدا فرزندان صالحی رو تربیت کنن.»

«زن و شوهر لازم است تمام شرایط زندگی خودشون رو در نظر بگیرن. امکانات لازم برای زندگی فرزند رو مهیا کنن و سعی کنن که زن و شوهر همدل و متفقی باشند و گر نه دچار مشکلات زیادی می‌شن.»

بحث و نتیجه گیری

هدف از انجام پژوهش حاضر تدوین الگوی افزایش فرزندآوری بر اساس تجربه زیسته زوجین دارای حداقل یک فرزند بود که نتایج منجر به تدوین چنین الگویی شد. در تبیین مبانی و مولفه‌های الگوی موردنظر می‌توان گفت که این الگو بر اساس مفاهیم و مولفه‌های مستخرج از مصاحبه با زوجین منتخب بر اساس هدف و به روش پدیدارشناسی توصیفی تدوین شد. در ادامه مولفه‌های به دست آمده را به بحث خواهیم گذاشت:

۱- **ارزش:** ارزش‌ها باورهای اساسی ما هستند که انگیزه‌ی لازم برای قصد و رفتار ما را فراهم می‌کنند. ارزش‌ها یکی از مهم‌ترین اجزای نظام فرهنگی در سطح خانواده و جامعه هستند و تاثیر بسیاری بر الگوهای رفتاری و فکری افراد دارند و بنابراین در مسائل مختلف فردی و اجتماعی سهم هستند (بیرانوند، ۱۳۹۵) در اینجا ما ارزش‌ها را پس از بررسی پاسخ‌های شرکت‌کنندگان، در سه مضمون فرعی فردی، اجتماعی و دینی و معنوی دسته‌بندی کردیم. مفهوم ارزش در فلسفه، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، ادبیات و البته دین جایگاه متمایزی دارد و همواره یک عامل انگیزشی در رفتار و نیت انسان داشته و دارد. به عنوان مثال یکی از اجزای بسیار مهم در روانشناسی اکت مفهوم ارزش‌هاست، طبق گفته راس هریس^۱ (۲۰۰۹) ارزش‌ها به عنوان «کیفیت مطلوب اقدامات مداوم» تعریف می‌شوند. در درمان اکت آنها به عنوان قطب‌نما عمل می‌کنند که جهت حرکت زندگیمان را به ما نشان می‌دهند. پس می‌توان گفت که این مؤلفه با مبانی روان‌شناسی و مکاتب درمانی همخوانی دارد.

۲- **تقویت:** تقویت از جمله مهم‌ترین مفاهیم و شاید هم محوری‌ترین مفهوم رفتاردرمانی است. اسکینر^۲ (۱۹۴۸) اساس شرطی شدن عامل را بر پایه تقویت استوار می‌کند. به عقیده او تقویت‌کننده هر نوع عامل یا رویدادی است که وقوع مجدد پاسخ را افزایش می‌دهد. تقویت‌کننده‌ها به صورت تقویت مثبت و منفی به کار می‌روند. وجود تقویت‌کننده مثبت احتمال وقوع پاسخ را در موقعیت مشابه افزایش می‌دهد اما عدم یا فقدان تقویت

1. Russ Harris

2. B.F. Skinner

کننده منفی است که سبب تقویت رفتار می شود. تقویت جانشینی هم در نظریه شناختی آلبرت بندورا^۱ (۱۹۸۶) مطرح شده است که در آن فرد از طریق مشاهده رفتار دیگران دست به عمل می زند. در نظریه بندورا تقویت و تنبیه نقش انگیزشی دارند و بر عملکرد فرد تأثیر می گذارند. بنابراین مولفه تقویت با مبانی و مفاهیم شرطی شدن فعال و نظریه شناختی همخوان است.

۳- **نیاز:** مفهوم نیاز همیشه با انگیزش همراه بوده است. نمونه‌ی بارز آن نظریه‌ی آبراهام مزلو^۲ (۱۹۵۳) نظریه پرداز مشهور، در مورد نیازهای اساسی انسان است که نظریه‌ای بنیادین در روانشناسی و مدیریت محسوب می شود. این نظریه از نظریه‌های محتوایی در مورد انگیزش به شمار می آید. نظریه‌های محتوایی چستی رفتارهای برانگیزنده را شرح می دهند و به طور عمده با آنچه در درون فرد یا محیطش می گذرد و به رفتار فرد نیرو بخشیده سروکار دارد (رضائیان، علی؛ ۱۳۷۹). نیازها و خواسته دربارہ یک موضوع خاص، بستری مشترک برای زمینه‌های فلسفه، زیست‌شناسی، روان‌شناسی، علوم اجتماعی، علم اقتصاد، مدیریت و سیاست تشکیل می دهد. نیازهای انسان، موضوع نظریه‌های مختلف در روانشناسی بوده است. در بین نیازهای متعدد انسانی، نیازهای روانشناختی بنیادین، به دلایل مختلف، از جمله ثبات و استحکام آن‌ها در طول زمان، تأثیرات عمیق و اساسی آن‌ها بر رفتار و شخصیت، نقش تعیین کننده آن‌ها در مراحل رشد و تحول، و روی هم رفته پیامدهای مثبت و منفی آن‌ها در زمینه‌های درون شخصی و بین شخصی، جایگاه و اهمیت ویژه دارند و مرکز توجه پژوهشگران و محور اصلی مباحث نظریه‌های نیاز قرار داشته‌اند. بعضی از محققان نیازهای انسان را ذاتی می دانند. در حالی که به اعتقاد بعضی دیگر، نیازها اکتسابی هستند و در طول زمان آموخته می شوند. مشابه این اختلاف نظر در مورد ماهیت این نیازهای روانشناختی بنیادین نیز وجود دارد. در حالی که بعضی از محققان نیازها را ماهیتاً روانشناختی می دانند (مثل نیاز به برتری در نظریه موری^۳، ۱۹۳۸)، بعضی دیگر معتقدند که نیازها ماهیتی فیزیولوژیک دارند (مثل نیاز به غذا در نظریه هال^۴، ۱۹۹۲) گرچه

1. Albert Bandura
2. Abraham Maslow.
3. Murray
4. Hull

این اختلاف نظرها تا حدودی به دلیل توصیف‌ها و تعریف‌های متفاوت از نیاز و مؤلفه‌های تشکیل دهنده آن است، اما ریشه‌های عمیق‌تر آن‌ها را باید در مبانی نظری و فلسفی انسان‌شناختی و روانشناختی صاحب‌نظران جستجو کرد. به همین دلیل، بعضی از نظریه‌پردازان معتقدند که نیازها ماهیتی ترکیبی، یعنی فیزیولوژیک و روانشناختی دارند. انسان‌ها نیازهای فیزیکی، اجتماعی و روانشناختی دارند که رضایت آنان از زندگی را فراهم می‌آورد. تحقیق در مورد نیازهای انسان ابتدا توسط مک دوگال^۱ در سال ۱۹۰۸ آغاز شد. توسط فروید^۲، مورای و هال ادامه یافت و سرانجام توسط مزلو در حیطه روانشناسی رایج و عملیاتی شد. همچنین مسأله‌ی نیازهای اساسی انسان یکی از چهار مفهوم بنیادین نظریه انتخاب ویلیام گلسر^۳ (۱۹۹۸) می‌باشد. در یک نگاه کلی تئوری انتخاب بر این دیدگاه استوار است که رفتارهای هر انسان، انتخاب‌های او برای ارضای نیازهایش است. این رفتارهای هدفمند بیش‌تر از انگیزه‌های درونی ریشه می‌گیرند تا عوامل و محرک‌های بیرونی. مثلاً به اعتقاد گلاسر، نیاز به احساس تعلق و تعامل با دیگران و داشتن رابطه صمیمانه یکی از نیازهایی است که باعث صدور رفتار در ما می‌شود. بحث نیازهای روانشناختی بنیادین نیز برای اولین بار توسط دسی و ریان^۴ در سال ۲۰۰۰ تحت عنوان نظریه خودتعیین‌گری مطرح شد. بر اساس این نظریه: سه نیاز ذاتی روانشناختی عبارتند از، خودمختاری، شایستگی و توانایی ارتباط. واضح است که مولفه‌ی نیاز با نظریات انگیزشی مثل مزلو، گلسر، دسی و ریان و دیگران همخوانی دارد.

۴- **نگرش:** نگرش عبارت است از ترکیبی از باورها و هیجان‌هایی که شخص را پیشاپیش آماده می‌کند تا به دیگران، اشیا و گروه‌های مختلف به شیوه‌ی مثبت یا منفی نگاه کند. نگرش‌ها ارزیابی از اشیا را خلاصه می‌کنند و در نتیجه پیش‌بینی یا هدایت اعمال یا رفتارهای آینده را بر عهده می‌گیرند. این مفهوم جزو مفاهیم مهم و کلیدی در علم روان‌شناسی، به خصوص علم روان‌شناسی اجتماعی است که برخی از صاحب‌نظران این حوزه، آن را هسته اصلی این علم دانسته‌اند. نگرش را می‌توان بر حسب نظریه‌های

-
1. McDougall
 2. Freud.
 3. William Glasser
 4. Ryan & Deci

یادگیری و رویکرد شناختی تعریف کرد. گوردون آلپورت (۱۹۳۵) نگرش را چنین تعریف کرده است: «نگرش یک حالت آمادگی ذهنی و عصبی است که از طریق تجربه سازمان می یابد و بر واکنش فرد نسبت به تمامی موضوع ها و موقعیت های وابسته به نگرش تأثیر مستقیم و پویا بر جای می گذارد» (سیرز و دیگران، ۱۹۹۱، به نقل از پاشا شریفی، ۱۳۸۱). بیشتر گزاره های معنایی هم که از پاسخ مصاحبه شونده گان این پژوهش استخراج شد نیز نگرش آن ها نسبت به موضوع را نشان می دادند. و این یعنی هر الگویی که انگیزش را هدف قرار بدهد به نگرش باید اهتمام ویژه ای داشته باشد که الگوی حاضر نیز با این واقعیت تناسب دارد.

۵- **شایستگی:** شایستگی عبارت است از نیاز به مؤثر بودن در تعامل با محیط و نشان دهنده میل به استفاده از استعدادها و مهارت ها و دنبال کردن چالش ها و تکالیف همسو با توانایی ها و تسلط یافتن بر آنهاست (ریان و دسی، ۲۰۰۲). شایستگی به عنوان یک عنصر مغزی در نظریه خود تعیین گری تصور شده که تأثیر مستقیمی بر انگیزش درونی دارد. احساس درونی از شایستگی می تواند به واسطه اثرات بازخوردی افزایش یا کاهش یابد. اگر فرد بازخورد منفی دریافت کند، انگیزش درونی کاهش می یابد. از طرفی، هنگامی که یک فرد در اجرای مؤثر تکلیف احساس مسئولیت می کند، انگیزش درونی افزایش می یابد (دسی و ریان، ۲۰۰۰). هنگامی که نتایج مثبت رخ می دهد، ادراک فرد چنین خواهد بود که او در کسب نتایج مطلوب به دست آمده تأثیر مستقیم دارد. جالب توجه این که، دسی و ریان بحث می کنند که برای دستیابی به انواع رخدادهای انگیزشی، فرد باید حس شایستگی داشته باشد (صالحی و همکاران، ۱۳۹۲). شایستگی یکی از ابعاد نسبتاً خاص مفهوم خود است که در آن فرد در مواجهه و تعامل با محیط، قابلیت اجرای وظایف مختلف و توان خلق آثار مطلوب و ممانعت از آثار نامطلوب را در خود می بیند که این امر می تواند یک مضمون کلی از تعداد زیادی از پاسخ مصاحبه شونده گان این پژوهش به سوالات مصاحبه باشد.

در پژوهش حاضر مشخص شد که عواملی که در انگیزش فرزندآوری در زوجین موثر هستند بیشتر عوامل روانی اجتماعی می باشند که این یافته با نتایج حاصل از پژوهش رسولزاده اقدم و

همکاران (۱۳۹۵) همسوست. و درباره تأثیر نگرش مثبت یا منفی به انگیزه فرزندآوری نیز می‌توان نتایج این پژوهش را با نتایج پژوهش‌هایی همچون ریجیکان و لایفروئر (۲۰۰۹) و حسینی و ترکاشوند (۱۳۹۴) همسو دانست. ایجاد انگیزه و ارائه مشوق برای فرزندآوری نیز از جمله نتایج پژوهش‌های خدیوزاده و همکاران (۱۳۹۳)، اندرسون (۲۰۰۵)، زارع و همکاران (۱۳۹۷) و گزارش سازمان ملی روسیه (۲۰۱۳) آورده شده است که با مولفه‌ی تقویت که از نتایج این پژوهش است همخوانی دارد.

علاوه بر اینکه می‌توان نظریات آلپورت، مزلو، اسکینر و گلسر را در انگیزش انسان برای انجام رفتار و مقاصدش، پشتوانه‌ی نظری قدرتمندی برای نتایج این پژوهش در نظر گرفت، نتایج به دست آمده در این پژوهش بسیار همسو با نتایج پژوهش ولادفسکی (۱۹۸۵) می‌باشد. او بر این باور است که شش عامل نیازها، نگرش‌ها، محرک‌های خارجی، عواطف، تقویت و شایستگی در انگیزش مؤثر است (جارویس، ۱۳۸۷، به نقل از بیژنی و همکاران، ۱۳۹۰). به شکلی اختصاص‌تر می‌توان نتایج این پژوهش را بر اساس نظریه خودتعیین‌گری دسی و ریان (۲۰۰۰) تبیین نمود. خودتعیین‌گری یکی از ظرفیت‌های جهان‌شمول است و مبنای اعمال و رفتارهای ارادی محسوب می‌شود. خودتعیین‌گری در واقع وقتی محقق می‌شود که شخص احساس کند می‌تواند رفتارهایش را خودش انتخاب کند و خودش تعیین‌کننده اعمال و هدف‌هایش باشد. سه نیاز بنیادین روانشناختی خودمختاری، شایستگی و توانایی ارتباط که در این نظریه مطرح می‌شود، به لحاظ انگیزشی در پیگیری اهداف و همچنین محتوای اهدافی که فرد دنبال می‌کند، نقش دارند و از طریق فرآیندهای نظم‌دهی باعث انگیزش درونی و رفتار خودتعیین‌گر می‌شوند که با عملکرد مؤثر فرد و بهزیستی روانشناختی او در ارتباط است. چنین به نظر می‌رسد که انسان امروز با توجه به شرایط جسمانی، بهداشتی، اقتصادی و اجتماعی خود دوست دارد که رفتارها و تصمیمات خود را براساس خواست و اراده‌ی شخصی و با در نظر گرفتن شرایط خود انتخاب کند و از فشارهای اجتماعی بیشتر رهایی یابد. این مسأله در کشور ما هم به‌ویژه در شهرهای بزرگ صدق می‌کند، اگرچه در روستاها و شهرهای کوچک هنوز هم فشارهای اجتماعی بر تصمیمات و رفتار افراد تا حدودی اثرگذار است. این موضوع خود بیانگر تأثیر نیت درونی، ارزش‌ها، نگرش‌ها، احساسات درونی مثل شایستگی و نیازهای بنیادینی مثل احساس تعلق، بر انگیزش و چرایی رفتار و تصمیمات

افراد در مسئله مهمی مثل تصمیم به فرزندآوری هستند که نتایج این پژوهش بیانگر این واقعیت هستند. بنابراین اگر سیاستگذاران و دولتمردان قصد دارند کاری برای رشد فرزندآوری و انگیزش آن انجام دهند لازم است به نیازها و ارزش‌های فردی، اجتماعی و دینی و معنوی افراد جامعه توجه ویژه‌ای داشته باشند، با روش‌هایی مثل افزایش حمایت از مادران شاغل، بهداشت مادران و یا کاهش نگرانی خانواده‌ها از تأمین مسکن ارزان و آینده خود و فرزندانشان به تقویت آنها بپردازند و آنها را در رسیدن به شایستگی فنی و رفتاری کمک و حمایت کنند تا نگرش افراد و زوجین نسبت به فرزندآوری مثبت شده و انگیزش فرزندآوری داشته باشند.

از محدودیت‌های انجام این پژوهش شیوع ویروس کرونا بود که دسترسی مستقیم به اغلب شرکت‌کنندگان را دشوار و گاهی ناممکن ساخته بود و این مسأله در کیفیت مصاحبه تأثیر گذاشته بود. چون تعداد نمونه‌ها محدود بود در تعمیم نتایج باید با احتیاط عمل کرد. از طرفی هم چون شرکت‌کنندگان از شهر مریوان انتخاب شده بودند ممکن است عوامل زمینه‌ای و بافت و فرهنگ آن با دیگر فرهنگ‌ها و جوامع متفاوت باشد، پس لازم است که تعمیم نتایج با در نظر گرفتن این شرایط انجام شود. با توجه به ضرورت توجه به الگویی جهت انگیزش فرزندآوری پیشنهاد می‌گردد برحسب نتایج پژوهش و مولفه‌های الگوی تدوین شده، پکیج آموزشی تهیه شده و به جامعه هدف در مراکز بهداشت و حتی دانشگاه‌ها آموزش داده شود. برگزاری کارگاه‌های آموزشی توسط بهزیستی و با همکاری مراکز مشاوره و روانشناسی و تهیه و پخش بروشور در راستای مولفه‌های این الگو هم می‌تواند در میان عامه مردم تأثیرگذار باشد. همچنین پیشنهاد می‌گردد کارگروهی از وزارتخانه‌های درمان و آموزش پزشکی، علوم، آموزش و پرورش و ورزش و جوانان و سازمان بهزیستی تشکیل شده و یک درسنامه‌ی مدون با محوریت این الگو تألیف کنند و در واحدهای درسی دانشگاه‌ها در سطح کارشناسی بگنجانند.

منابع

- صیفوری طغراجردی، بتول؛ حسنی درمیان، غلامرضا؛ مجدی، علی اکبر و کرمانی، مهدی (۱۳۹۸). «رفتار باروری زنان ایران همگام با فرایند تحولات خانواده در سه دهه ی گذشته». نشریه زن و جامعه. ۲(۳۹) ۲۳-۳۷
- بیرانوند، فاطمه (۱۳۹۵). «بررسی ارزش ها و نگرش های خانواده های شهر یزد». کنفرانس سراسری پژوهش های نوین در روانشناسی و علوم اجتماعی، تهران، <https://civilica.com/doc/527142>
- جارویس، پیتر (۱۳۸۷). *آموزش بزرگسالان و آموزش مداوم*. تهران، سمت، چاپ پنجم
- خدیوزاده، طلعت، ارغوانی، الهام و شاکری، محمدتقی (۱۳۹۳). «نگرش به مشوق های دولتی در خصوص فرزندآوری و ارتباط آن با ترجیحات فرزندآوری در زوجین مراجعه کننده به مراکز بهداشتی دارای مراکز مشاوره پیش از ازدواج در شهر مشهد». مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران. ۲۴(۱۲۰) ۱-۱۳.
- خلیج آبادی فراهانی، فریده و سرایی، حسن (۱۳۹۱). «قصد تک فرزندی و تعیین کننده های آن در زنان و مردان دارای یک فرزند کمتر از ۵ سال ساکن تهران». انجمن جمعیت شناسی ایران، ۱۳(۶) ۲۶۵-۲۶۸.
- خلیج آبادی فراهانی، فریده و سرایی، حسن (۱۳۹۵). «واکاوی شرایط زمینه ساز قصد و رفتار تک فرزندی در تهران». فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده. ۱۸(۷۱) ۲۹-۵۸.
- رازقی نصرآباد، ح. عباسی شوازی، م.ج. حسینی چاوشی، م. «پدیدارشناسی زمان تولد اولین فرزند در بین زنان در تهران». مطالعات راهبردی زنان. ۱۶(۶۴) ۵۷-۹۵.
- رسول زاده اقدم، صمد؛ افشار، سیمین؛ عدلی پور، صمد و میرمحمدتبار، سید احمد (۱۳۹۵). «تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و سبک زندگی با گرایش به فرزندآوری (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شهید مدنی آذربایجان)». فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی. ۵(۲۰) ۶۳-۷۹
- رضائیان، علی (۱۳۷۹) *مدیریت رفتار سازمانی*. تهران، سمت، اول، ص ۱۰۴.
- زارع، زهرا؛ صفاری، احسان و کیایی تبار، رویا. (۱۳۹۷). «بررسی انگیزه های فرزندآوری و ارتباط آن با نگرش به مشوق های دولتی در خصوص فرزندآوری در زنان سنین فرزندآوری. مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران». ۲۸(۱۶۲) ۱۰۴-۱۱۴.
- ساطوریان، سیدعباس؛ طهماسبیان، کارینه و احمدی، محمدرضا (۱۳۹۵). «نقش ابعاد والدگری و رابطه والد-کودک در مشکلات رفتاری درونی سازی شده و برونی سازی شده کودکان». فصلنامه خانواده پژوهی، ۱۲(۴۸) ۲۷-۴۲.
- سعیدی، میلاد؛ نعیمی، ابراهیم و کاظمیان، سمیه (۱۳۹۸). «مقایسه کیفیت زندگی زوجین تک فرزند با زوجین دارای بیش از دو فرزند در خانواده های تهرانی». مشاوره و روان درمانی خانواده؛ ۹(۲۶) ۱۶۱-۱۷۲
- سوری نژاد، حدیث؛ رئیسی دهکردی، زیبا؛ کهن، شهناز؛ شمس، مهتری؛ ادیب مقدم، الهام. «مقایسه سبک فرزند پروری و سلامت روان در مادران تک فرزند و دو یا چند فرزند شهر اصفهان». فصلنامه پرستاری، مامایی و پیراپزشکی. ۱۳۹۹؛ ۵(۴) ۷۱-۶۲

- سیرز و دیگران، ۱۹۹۱، به نقل از حسن پاشا شریفی (۱۳۸۱). *اصول روان سنجی و روان آزمایی*. تهران، رشد، چاپ هشتم، صفحه ۴۱۳
- صالحی، هاجر؛ قمرانی، امیر و صالحی، زهرا (۱۳۹۲). «رابطه نیازهای بنیادی روانشناختی و سلامت روان جانبازان بیمارستان حضرت امیرالمومنین اصفهان». *مجله طب جانباز*. ۶(۲۲). ۱۱-۱۹
- عباسی شوازی، م.ج. محمودیان، ح. صادقی ر. قربانی، ز. (۱۳۹۷). «تأثیر جهت‌گیری‌های ارزشی - نگرشی بر ایده‌ال‌های فرزندآوری در ایران». *انجمن جمعیت شناسی ایران*. ۲۶. ۳۷-۶۶.
- عزیزی، الهه (۱۳۹۰). «بررسی پیوندهای خانوادگی کودکان مبتلا به ADHD و مقایسه آن با کودکان عادی». پایان نامه کارشناسی ارشد خانواده درمانی، تهران، پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی.
- عظیم‌پور، احسان (۱۳۹۳). «مروری بر مبانی نظری انگیزش خودتعیین‌گری». *کنفرانس بین‌المللی علوم رفتاری و مالعات اجتماعی*. اسفند ۱۳۹۳. تهران
- گلسر، ویلیام (۱۹۹۸). *تئوری انتخاب*. ترجمه علی صاحبی (۱۴۰۰). تهران، سایه سخن، چاپ چهل و چهارم
- میرابی، سعیده؛ میرزایی، حسین و حسینی درمیان، غلامرضا (۱۳۹۹). «بررسی پدیدارشناسانه آگاهی زنان متأهل از فرزندآوری». *جامعه‌شناسی کاربردی*. ۳۱(۳). ۱-۲۰.
- هریس، راس (۲۰۰۹). *ACT به زبان ساده*. ترجمه انوشه امین‌زاده (۱۴۰۰). تهران، ارجمند، چاپ پنجم
- Andersson G. (2005). A study on policies and practices in selected countries that encourage childbirth: the case of Sweden. Germany: Max Planck Institute for Demographic Research; 2005. Available from: URL: <http://www.demogr.mpg.de> .
- Creswell, J.W. (2007). *Qualitative inquiry and research design: Choosing among five approaches* (2nd ed). Thousand Oaks, CA: Sage.
- Deci, E.L. & Ryan, R.M. (1985). The general causality orientations scale: Self-determination in personality: *Journal of Research in Personality*, 19, 109-134.
- Deci, E.L. & Ryan, R.M. (2000). The “what” and “why” of goal pursuits: Human needs and the self-determination of behavior. *Psychological Inquiry*, 11, 227-268.
- Guba, E. G., and Y. S. Lincoln (1982). “Epistemological and Methodological Bases of Naturalistic Inquiry, *Educational Communication and Technology Journal* 30 (4), 233-252.
- Kashesy JB, Neema S, Ekstrom AM, Kaharuza F, Mirembe F, Kulane A. (2010). "Not a boy, not a child": A qualitative study on young people's views on childbearing in Uganda. *Afr J Reprod Health*. 14(1):71-81.
- Miller WB, Millstein SG, Pasta DJ. (2008). The measurement of childbearing motivation in couples considering the use of assisted reproductive technology. *Biodemography Soc Biol*; 54(1): 8-32.
- Rijkin AJ, Liefbroer AC. (2009). The Influence of Partner Relationship Quality on Fertility. *EuropDemogrInf Bull*; 25(1): 27-44.
- Russian population increase with Efficient Incentives; (2013). Available from: URL: <http://www/irna.ir/fa>. accessed
- Ryan, R.M. & Deci, E.L. (2002). Overview of self-determination theory: An organismic dialectical perspective. In E. L. Deci & R. M. Ryan (Eds.), *Handbook of self-determination research* (pp. 3-33). Rochester, NY: University of Rochester Press.